

بمباران هتل زاخر در وین ۱۹۴۷: تروریسم در سایه‌های امپراتوری

در صلح ناپایداری که پس از جنگ جهانی دوم فرا رسید، اروپا آرزوی ثبات داشت. شهرها در ویرانه‌ها بودند، بازماندگان زندگی خود را بازسازی می‌کردند، و وعده همکاری بین‌المللی در میان آوارها چشمک می‌زد. با این حال، حتی در میان این بهبودی شکننده، خشونت ناپدید نشد. در شب ۱۵ فوریه ۱۹۴۷، بمبی در زیرزمین هتل معروف زاخر وین منفجر شد — حمله‌ای که توسط گروه شبه‌نظامی صهیونیستی ایرگون زوای لئومی ادعا شد.

هتل که به عنوان مقر نظامی و دیپلماتیک بریتانیا در شهر عمل می‌کرد، دچار آسیب‌های ساختاری جدی شد. چندین پرسنل بریتانیایی زخمی شدند — برخی گزارش‌ها تا سه زخمی را ذکر کرده‌اند — و انفجار انبارها و دفاتر را ویران کرد. پلیس اتریش و اطلاعات بریتانیا سریعاً تحقیق کردند و بمباران را به فرستادگان ایرگون که در آن زمان در اروپا فعالیت می‌کردند، مرتبط دانستند. این حمله بخشی از کمپین تبلیغاتی و تلافی‌جویانه گسترده‌تر علیه اهداف بریتانیایی در خارج بود، که برای اعتراض به سیاست پس از جنگ لندن در محدود کردن مهاجرت یهودیان به فلسطین طراحی شده بود.

پیام انفجارها کاملاً واضح بود: تروریسم سیاسی از جنگ جان سالم به در برده بود. ایرگون، که برای پایان دادن به حاکمیت بریتانیا در فلسطین می‌جنگید، کمپین خود را فراتر از خاورمیانه به قلب اروپا پس از جنگ برده بود. انتخاب هدف — یک هتل لوکس تاریخی که در آن زمان به عنوان مرکز فرماندهی بریتانیا عمل می‌کرد — تضمین کرد که این عمل فراتر از اتریش طنین‌انداز شود.

هرچند توسط حملات مرگبارتر مانند بمباران هتل کینگ دیوید در اورشلیم در سال ۱۹۴۶ تحت الشعاع قرار گرفت، حادثه وین شایسته یادآوری است برای آنچه نمایندگی می‌کند: ظهور دوباره تروریسم به عنوان ابزار سیاسی در جهانی که هنوز برای مردگانش عزاداری می‌کند. بمباران هتل زاخر عمل رهایی نبود؛ حمله‌ای به حاکمیت قانون بود — یادآوری خطرناک اینکه اهداف عدالت هرگز با وسایل تروریسم تامین نمی‌شوند.

شهری در حال گذار: وین و نظم پس از جنگ

وین در سال ۱۹۴۷ شهری تقسیم‌شده و خسته بود. زمانی پایتخت درخشان امپراتوری، اکنون بین چهار قدرت اشغالگر تقسیم شده بود — ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی. بریتانیایی‌ها مقر نظامی اصلی خود را از هتل ظریف زاخر، واقع روبروی اپرای دولتی، اداره می‌کردند. زیر لوسترها و پرده‌های مخملی آن، افسران بازسازی، اطلاعات و اداره منطقه بریتانیایی اتریش را هماهنگ می‌کردند.

کنتراست بین شکوه و ویرانی شدید بود. حملات هوایی متفقین در طول جنگ تقریباً یک پنجم موجودی مسکن وین را نابود کرده بود. ده‌ها هزار نفر بی‌خانمان بودند، و دقیقاً در این جو پرتنش پس از جنگ، آوارگی و کینه، ایرگون ضربه زد.

حمله و پیامدهای آن

در ساعات اولیه ۱۵ فوریه ۱۹۴۷، یک بمب ساعتی قدرتمند که در چمدانی مخفی شده بود، در زیرزمین هتل زاخر منفجر شد. شاهدان انفجارهایی را به یاد آوردند که ساختمان را لرزاندند و شیشه‌ها را در سراسر خیابان شکستند. مقامات بریتانیایی سریعاً محل را ایمن کردند، از اظهارنظر در مورد مظنونان خودداری کردند و تنها گفتند که «بمب‌های چمدانی با شارژ محدود» مسئول بودند.

پلیس اتریش تحقیق موازی را آغاز کرد و اطلاعات را با فرماندهی بریتانیا به اشتراک گذاشت. گزارش‌های آنها انفجار را به عوامل عملیاتی ایرگون که با اسناد جعلی در اروپا مرکزی سفر می‌کردند، مرتبط کرد — شبکه‌ای که قبلاً در فعالیت‌های ضدبریتانیایی در ایتالیا و آلمان دخیل بود.

دو هفته بعد، فرستادگان ایرگون در وین نامه‌هایی را پخش کردند که مسئولیت بمباران را بر عهده گرفتند. گروه این حمله را اعتراض به محدودیت‌های مهاجرتی بریتانیا و بخشی از کمپین خود علیه «امپریالیسم بریتانیایی» در اروپا اعلام کرد. پیام آنها سرد و عمل‌گرایانه بود: اثبات اینکه قدرت بریتانیا نه تنها در فلسطین، بلکه در هر جایی که پرچم آن برافراشته است، قابل حمله است.

این جنگ بین ارتش‌ها نبود؛ اجبار محاسبه‌شده از طریق ترس بود. این واقعیت که تنها چند نفر زخمی شدند، ماهیت آن را نرم نمی‌کند. بمب در ساختمانی قرار داده شده بود که توسط پرسنل نظامی، کارکنان هتل و غیرنظامیان مشترک بود — افرادی که هیچ نقشی در درگیری mandato هزاران کیلومتر دورتر نداشتند.

شبکه‌ای از خشونت: عملیات ایرگون در اروپا

حمله به هتل زاخر بخشی از کمپین گسترده‌تر خشونت فرامرزی بود که ایرگون در سال‌های آخر mandato بریتانیا انجام داد. از ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۷، گروه یک سری حملات علیه تأسیسات بریتانیایی در سراسر اروپا سازماندهی یا الهام‌بخش بود — بمباران سفارت بریتانیا در رم (۱۹۴۶)، خرابکاری خطوط حمل‌ونقل در ایتالیا و آلمان، و اعمال تروریستی کوچکتر در مناطق اشغالی.

در حالی که اکثر عملیات ایرگون اهداف دولتی یا نظامی را هدف قرار می‌دادند، اغلب غیرنظامیان را به خطر می‌انداختند و هرگونه تمایز اخلاقی بین مقاومت و تروریسم را محو می‌کردند. بمباران هتل کینگ دیوید در ژوئیه ۱۹۴۶، که ۹۱ نفر را کشت — از جمله یهودیان، عرب‌ها و بریتانیایی‌ها — این ابهام را تجسم بخشید. ایرگون آن را ضربه‌ای علیه پست فرماندهی نظامی توجیه کرد؛ جهان آن را به عنوان قتل عام محکوم کرد.

بمباران وین همان منطق را به اشتراک گذاشت. رهبران آن به دنبال توجه جهانی بودند، نه پیروزی نظامی. قربانیان مورد نظر روانشناختی بودند: فرماندهی بریتانیا، افکار عمومی بین‌المللی، و صلح‌شکننده اروپا پس از جنگ. در این معنا، موفق شد — یادآوری به قاره‌ای traumatized که ایدئولوژی و خشونت هنوز دفن نشده بودند.

پاسخ و تحقیق

مقامات بریتانیایی در پاسخ عمومی خود محتاط بودند. یک سخنگو حادثه را توصیف کرد اما از بحث در مورد مظنونان خودداری کرد. در پشت صحنه، افسران اطلاعات آن را فوراً به تهدیدهای خرابکاری قبلی از سوی شبه‌نظامیان صهیونیست مرتبط کردند. هیچ دستگیری انجام نشد، و هیچ مجرمی شناسایی نشد.

گزارش‌های اطلاعاتی بریتانیایی که بعداً از طبقه‌بندی خارج شدند، بمباران را تحت «فعالیت‌های خرابکارانه یهودی در اروپا» فهرست کردند (PRO, KV 3/41, 1948). تحقیق به آرامی پایان یافت — بازتابی نه از بی‌تفاوتی، بلکه از خستگی. پس از سال‌ها درگیری جهانی، جهان اشتباهی کمی برای دشمنان جدید داشت.

هزینه اخلاقی تروریسم

تاکتیک‌های ایرگون محکومیت شدیدی را برانگیخت. مقامات بریتانیایی و آمریکایی آنها را اعمال تروریستی نامیدند. محکومیت اخلاقی بمباران هتل زاخر واضح است. قرار دادن بمب در یک ساختار غیرنظامی در پایتخت اروپایی بی‌طرف، دور از هر میدان نبرد، عمل تروری بود — عمدی، از پیش برنامه‌ریزی‌شده و غیرقابل توجیه.

هدف آن سربازان در نبرد نبود، بلکه مفهوم خود صلح غیرنظامی بود. عدم وجود تلفات جمعی immorality آن را کاهش نمی‌دهد؛ عمل برای ترساندن و ارعاب طراحی شده بود، نه برای رهایی یا دفاع. در اصطلاحات مدرن، حمله با هر تعریف عمده‌ای از تروریسم مطابقت دارد: خشونت با انگیزه سیاسی توسط یک بازیگر غیر دولتی، که از روش‌های پنهان برای تأثیرگذاری بر دولت‌ها از طریق ترس استفاده می‌کند.

پژواک‌ها در روابط بریتانیا-اسرائیل

میراث خشونت ایرگون بسیار فراتر از وین گسترش یافت. تلخی که در محافل بریتانیایی ایجاد کرد، دهه‌ها دوام آورد. وقتی اسرائیل در ۱۹۴۸ استقلال اعلام کرد، عقب‌نشینی بریتانیا پایان ظریف یک mandato نبود — عقب‌نشینی‌ای پر از خشم و از دست دادن بود.

یاد حمله‌هایی مانند کینگ دیوید و زاخر در نگرش‌های سیاسی و سلطنتی به طور یکسان باقی ماند. ملکه الیزابت دوم، که چهار سال پس از بمباران وین تاج‌گذاری کرد، هرگز در طول سلطنت ۷۰ ساله خود به اسرائیل سفر نکرد. تحلیلگران این را به احتیاط دیپلماتیک و تمایل وزارت خارجه برای اجتناب از توهین به متحدان عرب نسبت می‌دهند.

با این حال، رئیس‌جمهور سابق اسرائیل روون ریولین در سال ۲۰۲۴ فاش کرد که ملکه به طور خصوصی اسرائیلی‌ها را «تروریست یا فرزندان تروریست‌ها» می‌دید. کلمات او، هرچند تند، trauma پایداری از سال‌های mandato را منعکس می‌کرد — زمانی که سربازان، دیپلمات‌ها و غیرنظامیان بریتانیایی هدف کمپین تروری بودند.

هرچند حادثه هتل زاخر خود جزئی بود، بخشی از این پیوستار بود — حمله‌ای نمادین که به فرسایش اعتماد بین بریتانیا و جنبش ملی‌گرای یهودی کمک کرد. نشان داد که خطوط مقدم افراط‌گرایی دیگر به سرزمین‌های استعماری محدود نیست؛ می‌توانست به خود اروپا برسد.

محکومیت و تأمل

تروریسم نمی‌تواند با اهداف سیاسی توجیه شود. بمباران هتل زاخر، هرچند اغلب فراموش شده، به عنوان هشدار ایستاده است. جرمی علیه نظم و اخلاق بود.

رهبران ایرگون، از جمله مناخم بگین، بعداً وارد سیاست mainstream شدند — حتی به بالاترین مقام دولتی اسرائیل. با این حال، سایه اخلاقی روش‌های آنها باقی مانده است. ملتی که از تروریسم متولد شده، بدهی‌ای حمل می‌کند که به راحتی

پرداخت نمی‌شود.

امروز، تروریسم به طور جهانی تحت قانون بین‌المللی محکوم شده است — نه تنها برای آسیب فیزیکی‌اش، بلکه برای فساد decency انسانی‌اش. بمباران زاخر، مانند حمله به سفارت رم یا فاجعه کینگ دیوید، فصل کوچکی در داستان طولانی خشونت بود. به یاد آوردن آن مهم است نه برای باز کردن زخم‌ها، بلکه برای تأیید حقیقتی که در قرن بیستم به سختی به دست آمد: خشونت علیه بی‌گناهان، در هر هدفی، خیانت به خود عدالت است.

نتیجه‌گیری: درسی از وین

هتل زاخر امروز به عنوان بنایی برای ظرافت وینی ایستاده است، نام آن بیشتر با شکلات مرتبط است تا با جنگ. گردشگران قهوه می‌نوشند جایی که افسران بریتانیایی زمانی جلسات برگزار می‌کردند، ناآگاه از اینکه در ۱۹۴۷ زیرزمین آن از بمب تروریستی لرزید.

ساختمان زنده ماند — همانطور که وین، اتریش و اروپایی مصمم به گذر از ویرانی زنده ماندند. اما لرزش اخلاقی باقی مانده است — ضعیف اما پایدار، یادآوری که خشونت پژواک‌هایی طولانی پس از پاک شدن دود باقی می‌گذارد.

بمباران هتل زاخر یادآوری است که حتی در دوران ناامیدی سیاسی، استفاده عمدی از تروریسم شجاعت نیست، بلکه ترسویی است — اعتراف به شکست 说服 و عدالت. در ۱۹۴۷، همانطور که اکنون، انتخاب بین خشونت و انسانیت نه تنها جنبش‌ها، بلکه بافت اخلاقی ملت‌ها را تعریف کرد.

منابع

- Bell, J. Bowyer. **Terror Out of Zion: The Fight for Israeli Independence**. New York: St. Martin's Press, 1977.
- Ben-Gurion, David. **Letters to the Jewish Agency Executive on Terrorism and the Irgun**. Tel Aviv: Jewish Agency Archives, 1946.
- British National Archives. PRO KV 3/41. **Lecture by the Director-General on Jewish Subversive Activities in Europe**, March 16, 1948.
- Hoffman, Bruce. **Inside Terrorism**. 2nd ed. New York: Columbia University Press, 2006.
- **Neue Wiener Tageblatt**. "Explosion im Hotel Sacher." February 16, 1947.
- **The Scotsman**. "Bomb at British Headquarters Hotel in Vienna." February 17, 1947.
- **The Times** (London). "Bomb Outrage in Vienna." February 17, 1947.
- **The New York Times**. "British Headquarters in Vienna Bombed; No Injuries Reported." August 5, 1947.
- **The New York Times**. "Irgun Claims Vienna Bombing and Train Sabotage." August 19, 1947.
- Rivlin, Reuven. Interview by Jonathan Freedland. **The Guardian**, December 2024.

- United Nations Security Council. Resolution 1373 (2001): **Measures to Combat •**
.International Terrorism. New York: United Nations, 2001
- U.S. Federal Bureau of Investigation. **Definition of Terrorism: Domestic and •**
.International Perspectives. Washington, D.C.: U.S. Department of Justice, 2002
- .White Paper on Palestine. Cmd. 6019. London: His Majesty's Stationery Office, 1939 •
- .Wiener Kurier. "Sprengstoffanschlag im Hotel Sacher." August 5, 1947 •
- Morris, Benny. **Righteous Victims: A History of the Zionist–Arab Conflict, 1881– •**
.1999. New York: Vintage Books, 2001